

## مهاجرت نسخ خطی ایران به دربار عثمانی

### در دوره صفوی و سرنوشت آنها

محمد رضا غیاثیان\*

#### چکیده

سده دهم هجری نقطه اوج خروج نسخ خطی از ایران به قلمرو عثمانی بوده است. علت آن از طرفی علاقه مندی سلاطین عثمانی به ادبیات فارسی و از سوی دیگر، معلول جنگ‌ها و مراودات سیاسی گسترده صفویان و عثمانیان بود. جنگ‌ها به غارت کتابخانه‌های آذربایجان، و سیاست صلح طلبی صفویان به پیشکش کردن کتاب‌ها به سلاطین عثمانی انجامید. این مقاله با بهره‌گیری از مطالعات نسخه‌شناختی، روند راهیابی کتاب‌های ایرانی به کاخ توپقاپی از اواخر سده نهم تا افول صفویان در آغاز سده دوازدهم می‌پردازد. مهم‌ترین مطلب در این پژوهش، شیوه‌های مختلف مهاجرت دست‌نویس‌ها و رابطه میان خروج آنها و ارتباطات سیاسی صفویان و عثمانیان است. می‌توان گفت که از زمان جنگ چالدران در ۹۲۰ق تا معاهده صلح ۹۹۸ق که مصادف با تفوق نظامی دولت عثمانی بود، بیشترین حجم نسخه‌ها از ایران خارج شده است. از ابتدای سده یازدهم، با پیروزی‌های صفویان، خروج کتاب از ایران به عثمانی تقریباً متوقف گردید، اگرچه جنگ‌های محدود و فتح برخی شهرهای مرزی توسط عثمانیان منجر به غارت کتابخانه‌ها از جمله آستانه شیخ صفی‌الدین می‌شد.

کلیدواژه‌ها: روابط صفویان و عثمانیان، کتابخانه کاخ توپقاپی، نسخ خطی ایران، سلاطین

عثمانی، شاهنامه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۴

\* استادیار گروه مطالعات عالی هنر دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) / mrrgh73@yahoo.com

## مقدمه

در سده‌های میانه، در سراسر دنیای اسلام، از هند تا اسپانیا، تولید نسخ خطی و گردآوری آنها در کتابخانه‌ها نشانه‌ای از فرهنگ، ثروت و قدرت تلقی می‌شد. در مراودات سیاسی، کتاب‌ها یکی از مهم‌ترین هدایای دیپلماتیک بود و گاهی در جنگ‌ها کتابخانه‌ها به‌عنوان غنیمت جنگی مصادره می‌شد. تمرکز این مقاله بر انتقال نسخ خطی ایران به کتابخانه‌های عثمانی، خصوصاً به کتابخانه کاخ توپقاپی، در دوره صفوی است.

از اواخر سده نهم به بعد علاقه سلاطین عثمانی به زبان فارسی فزونی گرفت. آنان از کودکی عربی را به‌عنوان زبان علم و فارسی را به‌عنوان زبان ادبیات فراگرفته بودند. بر اساس متون عثمانی، در دربارهای مراد اول و محمد دوم، شاهنامه‌خوانی می‌شد و برخی از سلاطین عثمانی به فارسی شعر می‌سرودند (Özgüdenli, 2008: 18).<sup>۱</sup> کتب مصور ایرانی نزد عثمانیان ارزش بالایی داشتند که هم کتابخانه سلطنتی و هم خواص جامعه به جمع‌آوری آنها اقدام می‌کردند. به‌نظر می‌رسد که آثار شاعران ایرانی مانند فردوسی، نظامی، سعدی، جامی، امیر خسرو دهلوی و عصار تبریزی اصلاً در استانبول کتابت نشده‌اند و نمونه‌هایی هم که در استانبول مصور شده، نسخه‌های ناتمام ایرانی بوده که چند نقاشی بدان افزوده شده است (Uluc, 1999: 101).

محققان برای مطالعه تاریخچه جابه‌جایی‌های یک نسخه خطی، به بررسی ترقیمه‌ها، انجامه‌ها، اسامی کاتبان و هنرمندان یا سبک کار آنان، مهرها، ظهیرها، یادداشت‌ها، دست‌کاری‌های مالکان بعدی و غیره می‌پردازند. با این حال، پیگیری تاریخچه مهاجرت بیشتر کتاب‌های راه‌یافته به استانبول کار ساده‌ای نیست، چراکه برخی از آنها توسط صفویان

۱. سال‌های حکومت پادشاهان عثمانی که در این مقاله نام برده می‌شوند به‌ترتیب زمانی بدین شرح است: مراد اول (۷۶۳-۷۹۱ق/۱۳۶۲-۱۳۸۹م)، محمد دوم (۸۴۸-۸۵۰ق/۱۴۴۴-۱۴۴۶م، ۸۵۵-۸۸۶ق/۱۴۵۱-۱۴۸۱م)، بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸ق/۱۴۸۱-۱۵۱۲م)، سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶ق/۱۵۱۲-۱۵۲۰م)، سلیمان اول (۹۲۶-۹۷۴ق/۱۵۲۰-۱۵۶۶م)، سلیم دوم (۹۷۴-۹۸۲ق/۱۵۶۶-۱۵۷۴م)، مراد سوم (۹۸۲-۱۰۰۳ق/۱۵۷۴-۱۵۹۵م)، محمد سوم (۱۰۰۳-۱۰۱۲ق/۱۵۹۵-۱۶۰۳م)، عثمان دوم (۱۰۲۷-۱۰۳۱ق/۱۶۱۸-۱۶۲۲م)، احمد سوم (۱۱۱۵-۱۱۴۳ق/۱۷۰۳-۱۷۳۰م) و عبدالحمید دوم (۱۲۹۳-۱۳۲۷ق/۱۸۷۶-۱۹۰۹م).

یا عثمانیان دوباره تجلید شده‌اند و مهرها و یادداشت‌های صفحات آغازین یا پایانی آنها از بین رفته است. در این مقاله، خروج نسخه‌ها از زمان ظهور تا افول صفویان بررسی می‌شود. مهم‌ترین مسئله این تحقیق، شیوه‌های مختلف مهاجرت دست‌نویس‌ها و رابطه میان خروج آنها و ارتباطات سیاسی صفویان و عثمانیان است.

از آنجا که دسترسی به آرشیوها و کتابخانه‌های ترکیه به‌خصوص توقیاتی کار ساده‌ای نیست، محققان غیرترک عملاً امکان بررسی حجم عظیمی از دست‌نویس‌ها را نداشته‌اند. بنابراین پیشینه پژوهش در باره مهاجرت کتب ایران به قلمرو عثمانی تقریباً محدود به آثار نویسندگان ترک است. عثمان غازی اوزگودنلی در مقاله «تاریخچه دست‌نویس‌های فارسی در کتابخانه‌های استانبول» آمارهای جالبی از کتب ایرانی در آن کتابخانه‌ها ارائه می‌کند (Özgüdenli, 2008). لاله اولوچ در چند مقاله و کتاب، برخی از کتب شیرازی سده دهم را که عموماً تجاری بوده و به استانبول راه یافته‌اند بررسی کرده است (Uluc, 1999, 2000, 2006). فیلیز چغمن و زرن تیندی در مقاله «ملاحظات درباره چند دست‌نویس در خزانه کاخ توقیاتی با توجه به مرادفات صفوی - عثمانی» به نحوه ورود چند نسخه خطی ایرانی به توقیاتی اشاره کرده‌اند (Çağman and Tanındı, 1996). تیندی در مقاله‌ای دیگر به مرمت و افزودن آرایه‌ها به نسخه‌های ایرانی در کارگاه‌های عثمانی پرداخته است (Tanındı, 2000). همین دو محقق در دو کتاب، نسخه‌های مصور توقیاتی را به اختصار معرفی نموده‌اند (Çağman and Tanındı, 1979, 1986)، اما بخش اعظم دست‌نویس‌های ایرانی در توقیاتی هنوز منتشر نشده است. فهرست نویسی‌های محققانی چون فهمی ادهم کاراتای و ایوان اسچوکین نیز آن‌قدر مختصر است که نمی‌توان برای بررسی تاریخچه نسخه‌ها از آنها استفاده کرد (Stchoukine, 1977; Karatay, 1961). محققان ترک بیشتر به ورود این نسخه‌ها به قلمرو عثمانی به عنوان هدیه، یا از طریق تجارت، مهاجرت به همراه مالک و کتابت برخی از آنها در ناحیه آناتولی تاکید کرده و کمتر به نقش غارت در این نقل و انتقال پرداخته‌اند.

در مقاله حاضر، برای اولین بار انواع مختلف خروج نسخه‌ها از ایران مطرح، و برای هر

نوع چند مصداق ذکر می‌شود. اگرچه بخش عمده این تحقیق بر اساس متون تاریخی و مشاهدات مؤلفان ترک انجام شده، اما برخی از شواهد ارائه شده حاصل مطالعات شخصی نگارنده در توپقاپی بوده است.

### ۱. دست‌نویس‌های ایرانی در کتابخانه‌های عثمانی

طبق سنت دربار عثمانی، در جشن‌ها مقامات برای سلطان هدیه می‌آوردند و پاداش می‌گرفتند. یکی از شایسته‌ترین هدایا در این جشن‌ها کتب فارسی، مانند شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی بود. نه تنها سلطان، بلکه دیگر مقامات و زنان درباری هم به نسخ خطی علاقه‌مند بودند و سفرای خارجی به آنان نیز کتاب اهدا می‌کردند. از این طریق، کتابخانه‌های متعددی در قلمرو عثمانی مملو از نسخ خطی ایلخانی، جلایری، تیموری، ترکمن، صفوی، ازبک و مملوک شد. اسناد موجود در آرشیو توپقاپی نشان می‌دهند که آثار شاعران ایرانی در کتابخانه‌های امرای نظامی (عسکری صنف) بیشتر بوده تا در کتابخانه‌های علما و مدارس (Uluc, 1999: 96). کتابخانه‌های خصوصی عثمانی عموماً به اهتمام مقامات لشکری و علما گردآوری می‌شدند و برخی از آنها واقعاً بزرگ بودند. به‌عنوان نمونه، شاهزاده کورکود (د. ۹۱۹ق) پسر بایزید دوم، کتابخانه‌ای داشت که به‌هنگام مسافرت با شترحمل می‌شد. رستم پاشا (د. ۹۶۸ق) وزیر و داماد سلیمان اول، کتابخانه‌ای شامل پنج‌هزار کتاب داشت که ۱۳۰ فقره از آنها دارای جلدهای مرصع بود. همچنین کتابخانه عالم معروف، مؤیدزاده عبدالرحمن افندی (د. ۹۲۲ق) هفت‌هزار جلد کتاب داشت (همان: 87).

امروزه در کتابخانه‌های ترکیه چیزی در حدود صدوشصت‌هزار نسخه به عربی، هفتاد‌هزار نسخه به ترکی و سیزده‌هزار نسخه به فارسی موجود است که با در نظر گرفتن نسخه‌های مرکب و جنگ‌ها، مجموع دست‌نویس‌ها ششصد‌هزار تخمین زده می‌شود (Özgüdenli, 2008: 1-3). با توجه به این‌که بسیاری از دست‌نویس‌های عربی و جنگ‌ها و مرقعات در ایران تولید شده‌اند، می‌توان تصور کرد که چه حجمی از میراث مکتوب ایران در

ترکیه نگه‌داری می‌شود.<sup>۲</sup> در کتابخانه‌های استانبول ۲۰۷ نسخه از مثنوی مولانا و ۲۰۸ نسخه از شاهنامه فردوسی وجود دارد که بیشترین فراوانی نسخ خطی فارسی در این شهر است. در میان سایر شاعران فارسی‌زبان، آثار جامی، سعدی و حافظ دارای بیشترین دست‌نویسند. در میان آثار تاریخی، شمار نسخ روضه‌الصفای میرخواند، تاریخ و صاف استرآبادی و هشت بهشت ادریس بدلیسی بیش از همه است (همان: 37-38).

تمرکز این مقاله بر روند ورود نسخ خطی ایران به دربار عثمانی، و بالاخص به کتابخانه توپقاپی است. البته کتاب‌های نفیس و مصور کتابخانه‌های دانشگاه استانبول، ایاصوفیه و سلیمانیه نیز زمانی متعلق به توپقاپی بوده‌اند (Çağman and Tanındı, 1996: 132; Tanındı, 2008). مجموعه ساختمان‌های توپقاپی در سال ۱۸۶۶ ق به فرمان محمد دوم بنا شد. در سال ۱۱۳۱ ق، به فرمان احمد سوم، در حیاط سوم کاخ کتابخانه‌ای ساخته شد و کتاب‌هایی که تا آن زمان در زیرزمین بود، به آنجا منتقل گردید (Tanındı, 2008).

---

۲. حدود ۱۴۶۰۰۰ نسخه خطی در شهر استانبول نگهداری می‌شود که فقط نیمی از آنها فهرست‌نویسی شده است. بزرگ‌ترین کتابخانه‌های این شهر به ترتیب چنین است: سلیمانیه: ۷۲۹۵۵ نسخه (۵۳۹۵۸ عربی، ۱۴۸۳۱ ترکی و ۴۰۲۲ فارسی)، دانشگاه استانبول: ۱۸۶۰۲ نسخه (۶۹۶۳ عربی، ۹۹۴۳ ترکی و ۱۶۱۵ فارسی)، موزه هنرهای ترکی و اسلامی (Türk ve İslam Eserleri Müzesi): ۱۶۳۸۱ نسخه (۱۵۸۵۸ عربی، ۳۵۹ ترکی و ۱۶۴ فارسی)، توپقاپی: ۱۳۰۷۳ نسخه (۹۰۴۳ عربی، ۳۰۹۰ ترکی و ۹۴۰ فارسی)، کتابخانه دولتی بایزید (Beyazıt Devlet Kütüphanesi): ۱۱۱۲۰ نسخه (۹۱۰۷ عربی، ۱۵۶۹ ترکی و ۴۴۳ فارسی)، کتابخانه ملت (Millet): ۸۷۶۵ نسخه (۵۷۲۸ عربی، ۲۵۲۸ ترکی و ۵۰۹ فارسی)، نورعثمانیه: ۵۰۵۲ نسخه (۳۶۶۷ عربی، ۹۱۹ ترکی و ۴۶۶ فارسی)، کتابخانه آتاتورک شهرداری استانبول (İBB Atatürk Kitaplığı): ۴۱۳۸ نسخه (۳۸۳۶ ترکی، ۲۵۸ عربی و ۴۴ فارسی)، کتابخانه کوپرولو (Köprülü) استانبول: ۳۷۹۰ نسخه (۳۲۸۴ عربی، ۳۹۰ ترکی و ۱۳۹ فارسی)، عاطف افندی (Âtîf Efendi): ۳۲۲۸ نسخه (۲۶۱۵ عربی، ۵۱۸ ترکی و ۹۵ فارسی)، کتابخانه حاجی سلیم‌آقا (Hacı Selimaga): ۲۹۵۲ نسخه (۲۲۲۶ عربی، ۵۹۵ ترکی و ۱۳۱ فارسی)، کتابخانه مراد ملا (Murad Molla): ۲۳۳۷ نسخه (۲۱۲۹ عربی، ۱۲۶ ترکی و ۸۲ فارسی)، موزه باستان‌شناسی (Arkeoloji Müzeleri): ۲۱۱۶ نسخه (۱۳۰۴ ترکی، ۶۶۳ عربی و ۱۷۹ فارسی)، کتابخانه یاپی کردی (Yapı Kredi): ۱۷۶۱ نسخه (۱۳۸۹ ترکی، ۲۷۴ فارسی و ۹۸ عربی) و راغب پاشا (Râğîb Paşa): ۱۲۷۴ نسخه (۱۱۶۵ ترکی، ۶۸ فارسی و ۴۱ عربی) (Özgüdenli, 2008: 3-7).

امروزه کتابخانه تویقاپی علاوه بر ۹۴۰ نسخه خطی فارسی (Özgüdenli, 2008: 4)، کتاب‌های دیگری نیز به زبان‌های عربی و ترکی جغتایی دارد که در ایران کتابت شده‌اند.<sup>۳</sup> این کتابخانه حدود دویست نسخه خطی ایرانی متعلق به قرن دهم دارد که حدود نیمی از آنها در شیراز تولید شده‌اند (Uluc, 1999: 97). در آرشیو این کتابخانه دفترهایی متعلق به دوره‌های مختلف تاریخی موجود است که فهرست کتب در آنها ثبت شده و مهم‌ترین‌شان عناوینی از این قبیل دارند: «دفتر حساب»،<sup>۴</sup> «دفتر هدیه»<sup>۵</sup> و «ثبت مخلفات».<sup>۶</sup> تقریباً در تمام این دفترها نام مؤلفان ایرانی به چشم می‌خورد که از فراوان‌ترین آنها می‌توان به آثار فردوسی، نظامی، سعدی، جامی، عطار، حافظ، امیرخسرو دهلوی، زکریای قزوینی، طبری و مجالس العشاق اشاره کرد. همچنین، برخی از آثار مؤلفان ایرانی مانند دیوان علیشیر نوائی، خسرو و شیرین شیخی و اسکندرنامه احمدی به زبان ترکی تألیف شده‌اند (همان: 87).

«دفترهای حساب» خرید کتب از افراد مختلف برای کتابخانه سلطنتی را ثبت کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، در یکی از دفترهای متعلق به سده دهم، دو نسخه خمسة نظامی ثبت شده که از مجموعه شاه‌سلطان، دختر سلیم اول و خواهر سلیمان اول، پس از مرگش در سال ۹۸۵ ق به قیمت پنجاه سکه طلا خریداری شده است (همان: 88). «دفتر هدیه» نشان دهنده هدایا به دربار عثمانی است و «مخلفات» اگرچه به معنای میراث است، اما در حقیقت اموال مصادره شده به دست حکومت است (Uluc, 1999: 88; Raby and Yücel, 1986: 33). مخلفات بیشتر مربوط به اموال سرداران و مقامات درباری بود که پس از درگذشت آنان مصادره می‌شد، چراکه این اموال به دلیل مقام و جایگاه سیاسی صاحبانشان حاصل شده

۳. کتابخانه تویقاپی ۷۰ نسخه خمسة نظامی، ۴۷ نسخه شاهنامه، ۳۳ نسخه از آثار جامی (هفت‌اورنگ، خمسة و یوسف و زلیخا)، نوزده نسخه از آثار سعدی، شانزده نسخه از امیرخسرو دهلوی، سیزده نسخه دیوان حافظ، دوازده نسخه عجایب المخلوقات، هشت نسخه از آثار امیرعلیشیر نوائی، هشت نسخه قصص الانبیا و سه نسخه نفیس از آثار رشیدالدین و حافظ ابرو دارد. به‌علاوه، ۴۹ مرقع شامل نقاشی‌ها و قطعات خوشنویسی در آنجا موجود است که برخی از آنها در ایران تولید شده‌اند (Tanındı, 2008).

4. Hesap defterleri.  
5. Hediye defterleri.  
6. Mukhallefat kayıtları.

بود. هنگام ثبت عنوان‌های کتب مصادره‌شده، نمونه‌های چشمگیر با حرف «م» به رنگ قرمز مشخص می‌شدند که مخفف کلمه «مهم» است. تنها این کتاب‌های مهم به کتابخانه سلطنتی منتقل می‌شدند و بقیه فروخته، یا به وارثان داده می‌شد. احتمالاً سلطان به دستخط خود، حروف میم را به فهرست اضافه می‌کرد (Raby and Yücel, 1986: 33). نکته جالب توجه این‌که کتب فارسی عموماً در دفترهای «مخلفات» با درج حرف میم و نیز عبارات «مصور» و «مذهب» متمایز شده‌اند.

برای مشروع جلوه‌دادن برخی از مصادره‌ها بر اساس فتاوا عمل می‌شد. مثلاً کتاب‌های کتابخانه شهید علی پاشا، وزیر و داماد احمد سوم، علی‌رغم این‌که در سال ۱۱۲۸ ق وقف کتابخانه سه طبقه «شاهزاده‌باشی» شده بودند مصادره شدند. در مورد آن کتابخانه، شیخ الاسلام وقت، اسماعیل افندی فتوایی صادر کرد که چون موضوع این کتاب‌ها فلسفه، نجوم، تاریخ و اشعار و مملو از دروغ هستند نمی‌توانند وقف شوند (Rogers, 2000: 19). کتابخانه داماد ابراهیم پاشا، وزیر و داماد دیگر احمد سوم نیز پس از قتل او در سال ۱۱۴۳ ق مصادره شد. کتب او شامل حدود نهصد جلد می‌شود که برخی از آنها به فارسی است (Uluç, 1999: 89). بخش قابل توجهی از دست نویس‌های کتابخانه‌های محمد پاشا و علی چلبی که به ترتیب در سال‌های ۹۹۷ ق و ۹۹۶ ق مصادره شدند نیز به فارسی است (همان: ۹۱-۹۰).

## ۲. غارت نسخ خطی به‌عنوان غنایم جنگی

متون عثمانی نشان می‌دهند که در جنگ‌ها فتح یک شهر به ویران‌شدن کتابخانه‌ها منجر نمی‌شد بلکه فقط کتب ارزشمند به کتابخانه سلاطین عثمانی منتقل می‌شدند (Tanındı, 2000: 147). در صورت ضرورت، گاهی این کتاب‌ها تعمیر می‌شدند و گاهی به فضاهای خالی آنها نقاشی و تذهیب می‌افزودند.<sup>۷</sup> اگرچه بخش قابل توجهی از کتاب‌های راه یافته به

۷. به‌عنوان نمونه، نسخه‌ای از قرآن در توقیاتی (E.H. 49) که توسط عبدالله صیرفی در سال ۷۴۵ ق کتابت شده، در خلال سال‌های ۹۶۲ تا ۹۶۴ ق توسط هنرمندان دربار عثمانی (اهل حرف) نوسازی شده است

استانبول غنیمت‌های جنگی بوده‌اند، اما این مطلب در خود کتاب‌ها مستند نشده است و تنها از طریق برخی شواهد می‌توان حدس زد که چنان کتاب‌هایی طی جنگ‌های متعدد در شمال غرب ایران غارت شده‌اند.

پس از اولین نبرد چالدران در ۹۲۰ ق، حجم عظیمی از کتب مصوّر ایران به دربار عثمانی برده شد. اسناد موجود در آرشیو توپقاپی، اطلاعات دقیقی از سیاهه اموال به غنیمت گرفته شده در این جنگ به دست می‌دهند و ضمن آن، از چند کتاب نام برده شده است (گنج، ۱۳۹۰: ۱۹، ۲۸). اما نام این کتاب‌ها به صورت کلی ثبت شده (مانند: تاریخ نامه، کلیات سعدی و غیره) و هیچ کدام را نمی‌توان در کتابخانه‌های استانبول شناسایی کرد. در همان زمان بود که به دستور سلیم اول، هنرمندان تبریزی به استانبول رفتند و در نتیجه، عصر طلایی کتابخانه‌های عثمانی شروع شد (Özgüdenli, 2008: 30).<sup>۸</sup>

تعلیقی زاده محمد صبحی (د. ۱۰۱۴ ق) شهنامه‌چی (شاهنامه‌نویس)<sup>۹</sup> و مورخ دربار عثمانی که ناظر قتل عام گسترده مردم تبریز و تخریب بناهای آن در سال ۹۹۳ ق بوده، در کتاب تبریز به می‌نویسد که با غارت اموال شهر «هر گدای رایگان، صاحب شایگان گشت و هر سفله‌ای به قوت کیسه کیسه لعل و یاقوت و جواهر سیمین و اوانی زرین و سیمین و اقمشه زربافته و دیباجات ملون تافته» و کتاب‌های فاخر و نایاب به دستخط خانان مستغنی گردید. او همچنین شعری در توجیه کشتار و غارت سروده است: «لمؤلفه: رافضی کشتن به دل نارد ملال | مال شیعی هست بر سنی حلال» (Özkuzugüdenli, 2005: 41-42); (Özgüdenli, 2008: 34). این متن به خوبی رابطه میان جنگ‌ها و تاراج کتاب‌ها و اموال مردم را نشان می‌دهد که علاوه بر تبریز، شامل اردبیل، ارومیه، مراغه، همدان و کرمانشاه نیز می‌شود.

→

۸. نمونه‌ای دیگر از یک کتاب ناتمام، نسخه‌ای از خمسة نظامی در کتابخانه ملی فرانسه

(Supp. Pers. 50) است که در ذی‌الحجه ۷۶۷ ق در شیراز کتابت شده ولی نقاشی‌های آن در حدود سال ۹۰۰ ق

توسط عثمانیان اجرا شده است (نک. Brend, 2001).

۹. برای کوچاندن هنرمندان ایرانی به استانبول پس از نبرد چالدران نک. امیرراشد و حسینی، ۱۳۹۴: ۶-۱۲.

۱۰. درباره منصب شهنامه‌چی نک. وودهد، ۱۳۸۷.



یکی از صدها کتابی که احتمالاً پس از جنگ چالدران از ایران خارج شده، نسخه‌ای مرگب از شاهنامه فردوسی، خمسة نظامی و لغت الفرس اسدی طوسی در توپقایی (خزینه ۱۵۱۰) است. این نسخه در تواریخ رجب ۷۷۶ق و ذی‌الحجه ۷۸۳ق در شیراز کتابت شده، اما بعدها تاریخ انجامه‌های آن به ۹۰۶ق و ۹۰۳ق تغییر داده شده است (Soucek and Çağman, 1995: 182) (تصویر ۱). پس از اتمام کتابت نسخه، چند نقاشی و تذهیب در آن اجرا شده و به‌صورت ناتمام به کتابخانه شاهرخ (حک. ۸۵۰-۸۰۷ق) در هرات راه یافته و در اواخر سده نهم، تحت حمایت سلطان حسین بایقرا (حک. ۸۷۳-۹۱۱ق) چند نقاشی و تذهیب بدان افزوده شده است. در اوایل سده دهم، با فتح هرات توسط صفویان این نسخه به تبریز منتقل شده و پس از فتح تبریز در جنگ چالدران به توپقایی راه یافته است. محققان حدس زده‌اند که نقاشی‌هایی نیز در تبریز و استانبول بدان افزوده شده باشد (همان: 203).



تصویر ۱. انجامه خمسة نظامی، ۷۷۶ق/۱۳۷۴م، توپقایی (خزینه ۱۵۱۰، گ ۷۷۵)

(Soucek and Çağman, 1995: fig. 10.1)

از کتاب‌های مهم در توپقایی، دو نسخه از جامع التواریخ رشیدالدین (د. ۷۱۸ق) است که در زمان حیات مؤلف کتابت شده‌اند و حداقل یکی از آنها باید در جنگ‌ها غارت شده باشد. اولی (خزینه ۱۶۵۴) نسخه‌ای است که در سال ۷۱۷ق کتابت شده است. در دوره صفوی در کتابخانه یکی از امرای شاه‌عباس اول (حک. ۹۹۶-۱۰۳۸ق)، فرهادخان قرمانلو،

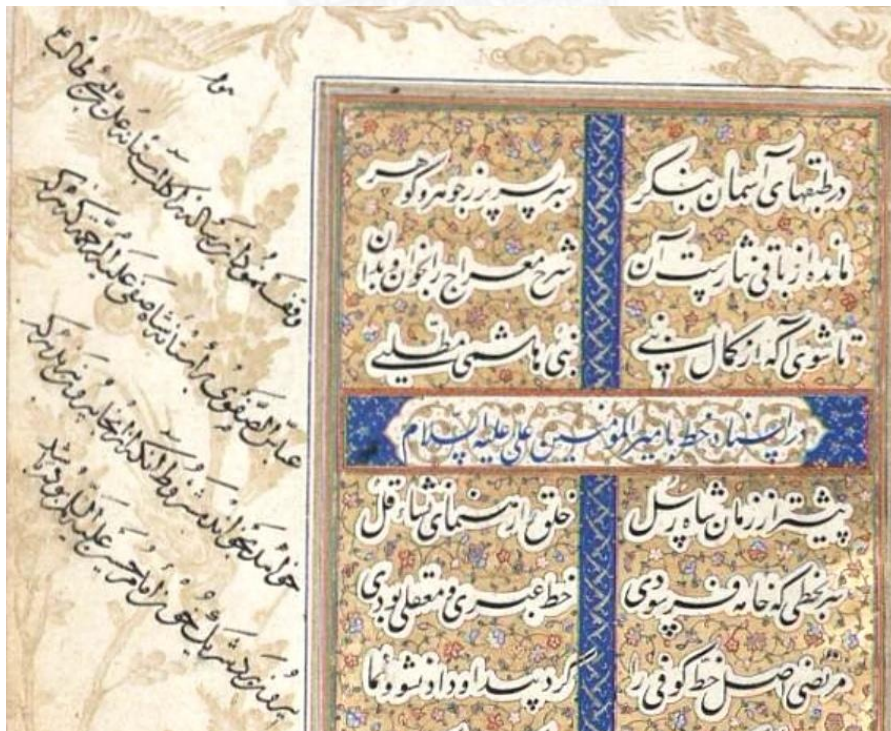
حاشیه‌های اوراق این نسخه تعویض، و تذهیب‌هایی به آن اضافه شده است (تصویر ۲). پس از قتل فرهادخان در ۱۰۰۷ق، این کتاب مصادره می‌شود و در سال ۱۰۱۶ق توسط شاه‌عباس به کتابخانه آستانه شیخ صفی‌الدین وقف می‌شود (Ghiasian, 2018: 405-407). در ظهیریه کتاب، متن وقف‌نامه شاه‌عباس در دوردیف در بالا و پایین شمسه فرهادخانی درج می‌شود، اما بعدها در دربار عثمانی روی آنها تذهیب شده تا متن وقفیه پنهان شود. تنها چند کلمه از کتیبه بالایی خوانده می‌شود: «وقف نمود این کتاب را کلب آس[تان]» و بخشی از کتیبه پایینی چنین است: «... امام حسین علیه‌السلام بوده باشد و...» (تصاویر ۲ و ۳). بازخوانی این عبارات از متن نشان می‌دهد که این همان متن معروف وقفیه شاه‌عباس است که بر کتاب‌های متعددی در کتابخانه آستانه درج شده بود و متن کامل آن چنین است: «وقف نمود این کتاب را کلب آستان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام عباس الصفوی بر آستانه مقدسه شاه‌صفی - علیه‌الرحمه - که هر که خواهد بخواند مشروط آن‌که از آن آستانه بیرون نبرند، و هر که بیرون برد، شریک خون امام حسین علیه‌السلام بوده باشد» (تصویر ۴).



تصویر ۲. نسخه‌ای از جامع التواریخ، ۷۱۷ق/۱۳۱۷م، توقیعی (خزینه ۱۶۵۴، گ ۱ر)



تصویر ۳. وقفیه شاه عباس و مُهر آستانه شیخ صفی الدین در نسخه‌ای از جامع التواریخ، ۷۱۷ق/۱۳۱۷م، تویقایی (خزینه ۱۶۵۴، گ ار، گ ۲۹۵ پ)



تصویر ۴. رساله صراط السطور، کتابت شده توسط سلطان علی مشهدی، سده دهم/شانزدهم، کتابخانه ملی روسیه (Dorn 454)، گ ۲ (Vasilyeva, 2011: 200, fig. 195).

حداقل ۳۵ مُهر وقف با مضمون «وقف آستانه متبرکه صفییه صفویه ۱۰۱۷» بر اوراق نسخه نقش بسته است که آنها نیز در دربار عثمانی با رنگ طلایی پوشانده شده‌اند و تنها یکی از آنها که رنگ آن برداشته شده خواناست (تصویر ۳). از آنجا که دربار عثمانی تلاش کرده تا آثار وقف را از این کتاب بزدايد باید آن را جزو غنایم جنگی یا تاراج به شمار آورد. تاکنون محققان بر این باور بوده‌اند که احتمالاً این کتاب در زمان عثمان دوم و همزمان با غارت گنجینه‌های اردبیل از ایران خارج شده است (Çağman and Tanındı, 1996: 140; Ghiasian, 2018: 405).<sup>۱۰</sup> اما مطالعات اخیر نگارنده بر روی نسخه‌ای از جامع التواریخ در کاخ گلستان (ش ۲۲۵۶) به تاریخ شعبان ۱۰۷۴ ق نشان می‌دهد که نسخه تویقایی (خزینه ۱۶۵۴) حداقل تا این تاریخ در اردبیل بوده است، چراکه نسخه گلستان به‌طور مستقیم از روی نسخه تویقایی استنساخ شده است.

نسخه دوم جامع التواریخ تویقایی (خزینه ۱۶۵۳) اگرچه مُهر وقف ندارد و ممکن است به شیوه دیگری از ایران خارج شده باشد، اما تاریخچه سفرهای آن با خزینه ۱۶۵۴ شباهت دارد. این کتاب نیز در کتابخانه فرهادخان قرمانلو نوسازی می‌شود اما شاه‌عباس آنرا وقف آستانه شیخ صفی‌الدین نمی‌کند. در ۱۰۰۵ ق شاه‌عباس، ذوالفقارخان (د. ۱۰۱۹ ق) برادر کوچک‌تر فرهادخان را به دربار محمد سوم فرستاد و شاید این کتاب نیز در میان هدایایی بوده که ذوالفقارخان به دربار عثمانی برده است (Çağman and Tanındı, 1996: 140).

کتاب‌های دیگری نیز در تویقایی مُهر وقف آستانه شیخ صفی‌الدین دارند. یکی از آنها نسخه‌ای نفیس از هفت‌اورنگ جامی (خزینه ۱۴۸۳) مورخ ۹۷۹ ق است که توسط محب‌علی الکاتب (کتابدار شاه‌طهماسب) برای ابراهیم میرزا (د. ۹۸۴ ق) در مشهد کتابت و در قزوین مصور شده است (Çağman and Tanındı, 1986: 181) (تصویر ۵).<sup>۱۱</sup> کتاب

---

۱۰. اولیا چلبی در نیمه سده یازدهم/هفدهم در کتاب سیاحت‌نامه می‌نویسد که سپاه عثمانی در زمان عثمان دوم اردبیل را فتح کرد و بدون این‌که شهر را ویران کند، تمام گنجینه‌هایش را به استانبول منتقل کرد (Çağman and Tanındı, 1996: 147, no. 46).

۱۱. مُهر آستانه در برگ‌های ۱۰۵ و ۲۲۹ این نسخه درج شده است (نک. Çağman and Tanındı, 1996: 147, no. 35). نسخه مصور دیگری از هفت‌اورنگ در گالری فریر اسکالر (F1946.12) نیز دارای مُهر وقف آستانه با

دیگر نسخه ای از شاهنامه فردوسی (خزینه ۱۴۹۶) است که توسط محمد بن محمد البقال در ذی الحجه ۸۶۸ ق کتابت شده و سی مجلس تصویر به سبک شیرازِ اواخر سده نهم دارد (Karatay, 1961: 128, no. 336; Çağman and Tanındı, 1979: 24-25). علاوه بر مُهر آستانه، متن وقفیه شاهعباس نیز در برگ ۳ این نسخه درج شده است (Çağman and Tanındı, 1996: 147, no. 35). متن وقفیه که حاوی لعن شدیدی بوده در کتاب‌هایی از این دست عموماً با رنگ پوشانده و مخفی شده‌اند (تصاویر ۶ و ۷).

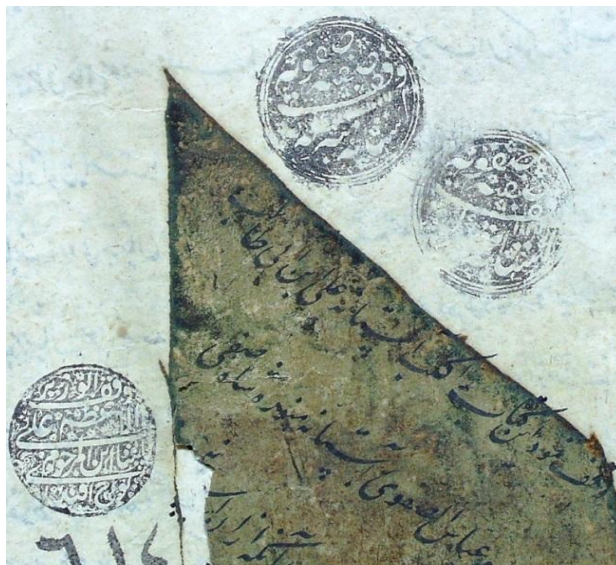


تصویر ۵. هفت‌اورنگ جامی، توپقاپی (خزینه ۱۴۸۳، برگ‌های اب-پ-۲ر)

(Çağman and Tanındı, 1986: 181)

→

همین تاریخ است که زمانی در دربار شاهجهان (حک. ۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق) پادشاه هند بوده است (Simpson and Farhad, 1997: 34-35, fig. 21). نسخه‌ای از منطق الطیر به تاریخ ۸۹۲ ق در موزه متروپولیتن نیز ممه‌ور به همین مُهر است (Kamada, 2010: 132, figs. 1-4, 7).



تصویر ۶. وقفیه شاهعباس بر نسخه‌ای از خمسه نظامی، موزه هنرهای ترکی و اسلامی (ش ۲۰۶۱)،  
(Özgüdenli, 2008: fig 19)



تصویر ۷. وقفیه شاهعباس بر یک جنگ، کتابخانه سلیمانیه (ش ۷۲۵)،  
(Özgüdenli, 2008: fig 17)

نسخه‌ای از بوستان سعدی مورخ ۹۳۲ق در کتابخانه دانشگاه استانبول (ش ۱۴۱۰ FY)، یک جُنگ در کتابخانه سلیمانیه<sup>۱۲</sup> و نسخه‌ای از خمسه نظامی در موزه هنرهای ترکی و اسلامی (ش ۲۰۶۱) از دیگر کتاب‌هایی هستند که مهرهای وقف آستانه به همان تاریخ ۱۰۱۷ق را دارند (Özgüdenli, 2008: 31-34). نکته جالب توجه این‌که دو نسخه اخیر ممه‌ور به مهر «وقف وزیر الاعظم علی پاشا بن مرحوم نوح افندی ۱۱۴۶» هستند (تصاویر ۶ و ۷) که اثبات می‌کند این نسخ در کتابخانه صدر اعظم عثمانی، حکیم اوغلو علی پاشا بوده‌اند - کسی که مدتی بر اردبیل حکومت کرد. مقارن تاریخ مهر او (۱۱۴ق) و در بحبوحه نبردهای ایران و عثمانی در زمان شاه طهماسب دوم (حک. ۱۱۳۴-۱۱۴۴ق) و سلطان احمد سوم، کتابخانه آستانه شیخ صفی‌الدین غارت شد (همان: ۳۳-۳۴). برای این‌که تصویری از کتاب‌های غارت‌شده توسط عثمانیان در آن زمان داشته باشیم، یکی از دفاتر ثبت اسناد و املاک حکومت عثمانی را باید مطالعه کرد. در این دفتر (به تاریخ ۱۱۳۹ق) که در مرکز آرشیو دولتی ترکیه نگه‌داری می‌شود،<sup>۱۳</sup> فهرستی از ۷۴۴ جلد کتاب در کتابخانه آستانه ثبت شده (Özgüdenli, 2001: 43-56) که چند سال بعد، بیشتر آنها توسط حکیم اوغلو از آنجا خارج شد (حسینی، ۱۳۹۳: ۶-۸).<sup>۱۴</sup> این شواهد نشان می‌دهد که نسخه جامع التواریخ خزینه (۱۶۵۴) که پیش‌تر ذکر آن رفت نیز در آن تاریخ غارت شده است.

### ۳. نسخ خطی به‌عنوان هدایای دیپلماتیک

متون عثمانی از حداقل ۲۷ بار سفارت صفویان به دربار عثمانی در خلال سال‌های ۹۲۰ تا ۱۰۰۹ق یاد کرده‌اند (Uluc, 1999: 91). در این سفارت‌ها عموماً هدایایی برای سلطان و گاهی اطرافیان او ارسال می‌شد و در عوض هدایایی نیز به فرستادگان صفوی، از جمله

12. Süleymaniye Kütüphanesi, Hekimoğlu Ali Paşa, nr. 725.

13. Başbakanlık Osmanlı Arşivleri (BOA), *Tapu Tahrir Defteri*, nr. 896, s. 58.

۱۴. کتابخانه آستانه یک‌بار نیز توسط ژنرال روس، پاول پتروویچ سوختلن (Pavel Petrovich Suchtelen) در رجب ۱۲۴۳ق به تاراج رفت. این مجموعه شامل ۱۶۶ نسخه (۱۴۸ فارسی، ۱۱ عربی و ۷ ترکی) بوده که اکنون در کتابخانه ملی روسیه نگهداری می‌شود. کهن‌ترین اثر در این مجموعه نسخه‌ای مصور از شاهنامه مورخ ۷۳۳ق تولیدشده توسط آل اینجو است (Vasilyeva, 2011: 200-201).



خلعت، بخشیده می‌شد. در ۹۷۵ق، شاه طهماسب (حک. ۹۳۰-۹۸۴ق) شاه‌قلی خان اُستاجلو (د. ۹۸۴ق) حاکم ایروان را به‌عنوان نماینده خود برای تبریک تاج‌گذاری سلیم دوم به دربار عثمانی فرستاد. شاه‌قلی خان را هیئتی متشکل از ۷۲۰ نفر با ۱۷۰۰ چهارپا همراهی می‌کرد. هنگامی که هیئت به استانبول رسیدند، متوجه شدند که سلطان در ادرنه است و بنابراین به سفر خود تا آنجا ادامه دادند. در ۱۷ شعبان ۹۷۵ق، آنان هدایای خود را که بر ۴۴ شتر حمل می‌شد به سلطان تقدیم نمودند (Tanındı, 2000: 147).<sup>۱۵</sup> این هدایا علاوه به اشیاء گران‌بهای دیگر، شامل شماری نسخ خطی بود. بر اساس متون عثمانی، یکی از مهم‌ترین این هدایا شاهنامه‌ای با ۲۵۹ مجلس تصویر بوده است که توسط هنرمندان ماهر تبریز در نیمه اول سده دهم هجری برای شاه طهماسب تهیه شده بود و امروز به شاهنامه طهماسبی مشهور است.

احمد فریدون بیگ (د. ۹۹۱ق) که نشانچی<sup>۱۶</sup> سوکلو محمد پاشا (د. ۹۸۷ق) و وزیر سه سلطان عثمانی بود، در کتاب نزهة الاخبار در سفر سیگت‌وار<sup>۱۷</sup> (توپقاپی، خزینه ۱۳۳۹، گ ۲۴۶پ) این واقعه را توصیف می‌کند و می‌نویسد وقتی این شاهنامه به سلیم دوم پیشکش شد، درباریان را بسیار تحت تأثیر قرار داد و کمتر از یک‌سال بعد، سید لقمان ارموی مأمور سرودن تاریخ عثمانیان شد (همان: ۱۴۷). تدوین شاهنامه آل عثمان در سال ۹۷۶ق به سبک شاهنامه فردوسی آغاز شد و یک دهه بعد در زمان مراد سوم نسخه‌های مصور آن تولید شد.<sup>۱۸</sup>

۱۵. در برخی منابع، تعداد اغراق‌آمیز نوزده‌هزار شتر نقل شده است (Çağman and Tanındı, 1986: 211; Blair and Bloom, 1995: 245).

۱۶. نشانچی (Nişancı) مقام بلندپایه‌ای در دیوان‌سالاری عثمانی بود که مسئولیت مهر کردن فرمان‌های شاهانه را داشت.

۱۷. سیگت‌وار (Szigetvár) شهری در مجارستان امروزی است که در سال ۱۵۶۶م به دست سلیمان اول فتح شد.

۱۸. شاهنامه سلیم خان - که وقایع سال‌های ۱۵۶۶ تا ۱۵۷۴م را دربرمی‌گیرد - جلد دوم از یک کتاب پنج‌پا شش جلدی در تاریخ عثمانیان است. جلد اول «تاریخ سلطان سلیمان» نام دارد که در حقیقت ادامه کتاب سلیمان‌نامه عارفی است و وقایع سال‌های ۱۵۵۸ تا ۱۵۶۶م را شامل می‌شود (کتابخانه چستریتی، نسخه T413، مورخ ۹۸۷ق/۱۵۸۰-۱۵۷۹م). جلد سوم حاوی وقایع سال‌های ۱۵۷۴ تا ۱۵۸۲م از زمان سلطان مراد سوم است که

صحنه حضور سفرای ایرانی و تقدیم پیشکش به سلیم دوم در نسخه‌ای از شاهنامه سلیم خان مورخ ۹۸۸ق، توسط عثمان، نقاش باشی دربار مراد سوم ترسیم شده است (تصویر ۸).<sup>۱۹</sup> در این نگاره مزدوج، شاه‌قلی خان در میان دو نگهبان در حال تعظیم در برابر سلطان است و همراهان او در کنار درگاه ترسیم شده‌اند. هدایا که شامل کتاب‌ها، ظروف زرین، منسوجات، فرش‌ها و صندوقچه‌ها هستند توسط سربازان ینی چری<sup>۲۰</sup> حمل می‌شوند.



تصویر ۸. «فرستاده شاه‌طهماسب، هدایای خود را به سلیم دوم تقدیم می‌کند»: شاهنامه سلیم خان، ۹۸۸ ق، توپقاپی (A. 3595، برگ‌های ۵۳-۵۴ر) (Çağman and Tanındı, 1986: no. 157)

→  
 ۱۹. شاهنشاه‌نامه نام دارد (کتابخانه دانشگاه استانبول، F.1404 مورخ ۹۸۹ق). شاهنشاه‌نامه در دو یا سه جلد بوده است. جلد دوم شاهنشاه‌نامه در توپقاپی (ش 200 B) نگهداری می‌شود و ظاهراً جلد دیگری از آن نیز در گوتینگن (MS Pers. 67) است (Çağman and Tanındı, 1986: 212).  
 ۱۹. همین صحنه در کتاب نزهة الاخبار در سفر سیگت‌وار محفوظ در توپقاپی (خزینة ۱۳۳۹، گ ۲۴۷پ) نیز مصور شده است (Çağman and Tanındı, 1986: 211, no. 157; Uluç, 2006: 483).  
 ۲۰. ینی چری (janissary یا yeniçeri) گروهی از سربازان پیاده‌نظام یا جان‌نثاران سلاطین عثمانی بودند.

نوشته‌های مورخان ایرانی اطلاعات چندانی در باره این سفارت‌ها به ما نمی‌دهند. برای نمونه، بوداق قزوینی در مورد این سفارت می‌نویسد:

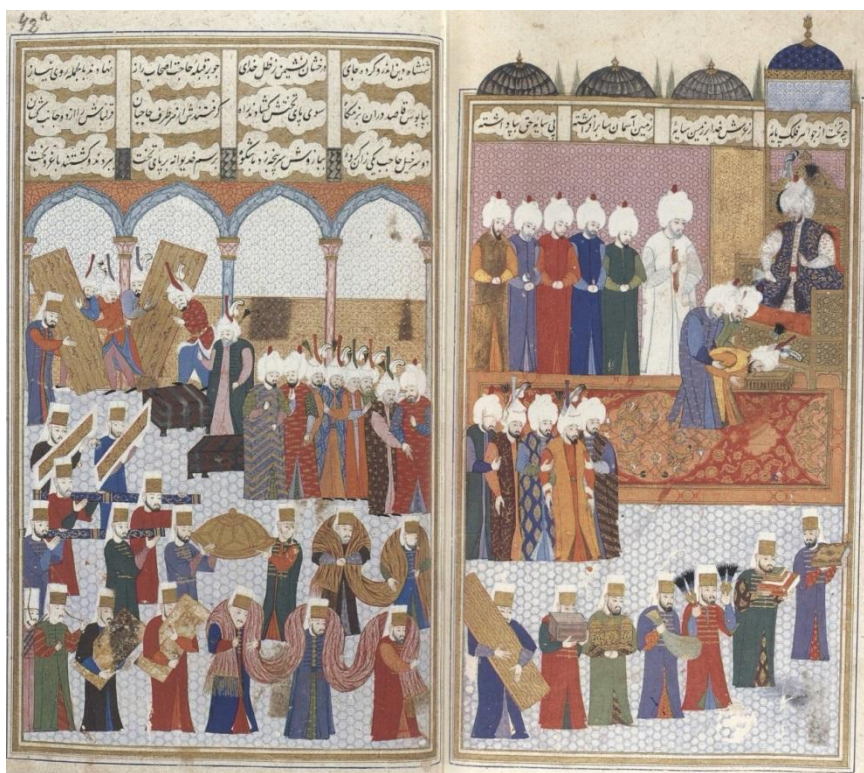
[سلطان سلیم] او را رخصت داد. شاه‌قلی سلطان استاجلو حاکم سرحد آذربایجان را که امیر الامرا بود در کمال ابهت و جلال همراه نمود و او مردی بود عاقل و فرزانه، لوازم رسالت به جای آورد و تحفه‌های پادشاهانه که در هیچ عصر و زمان، سلاطین دوران به یکدیگر ارسال نکرده بودند. از جمله تحفه‌ها، شاهنامه‌ای بود که شاه مرحوم در اوایل سلطنت که مایل به خواندن و نوشتن بود و همواره کُتاب و نقاشان در خدمت آن پادشاه راه داشتند در مدت بیست سال به هم رسیده بود، و دیگر چیزها درخور این اول تعزیت پرسش نمودند (بوداق قزوینی، ۱۳۷۸: ۲۳۰-۲۳۱).

در سال ۹۸۴ق طُقماق‌خان پسر شاه‌قلی‌خان و حاکم ایروان از طرف شاه‌طهماسب برای تبریک تاج‌گذاری مراد سوم همراه با هدایایی به استانبول اعزام شد. در زبده التواریخ آمده که در میان هدایای ایرانیان، هجده نسخه مذهب قرآن، بیش از شصت دیوان شعر فارسی، شاهنامه فردوسی، و چندین نسخه مرقع مصور بود (Uluç, 1999: 91; Tanındı, 2000: 148). مرقع معروف شاه طهماسب که توسط شاه‌قلی خلیفه (د. ۹۶۵ق) تهیه شده بود نیز در میان این هدایا بوده است (Özgüdenli, 2008: 35).<sup>۲۱</sup> صححه حضور طقماق‌خان در دربار عثمانی در نسخه‌ای از شاهنشاه‌نامه مورخ ۹۸۹ق مصور شده است (تصویر ۹).

شاه محمد خدابنده (حک. ۹۸۵-۹۹۶ق) و پسرش حمزه میرزا، به مناسبت جشن ختنه‌سوران محمد، پسر مراد سوم، در ۹۹۰ق، ابراهیم‌خان را به استانبول فرستادند. بر اساس نوشته مصطفی علی (د. ۱۰۰۹ق) مورخ دربار عثمانی، در میان هدایای آنان، هجده کتاب از جمله یک قرآن مرصع، یک خمسه نظامی مصور شده توسط بهزاد، یک نسخه مصور اسکندرنامه به ترکی، و یک شاهنامه، وجود داشت (Tanındı, 2008؛ همو، 2000: 148). لاله اولوچ یک نسخه خمسه امیر خسرو دهلوی مورخ ۹۷۰ق و یک نسخه یوسف و زلیخای جامی در تویقایی شناسایی کرده که، بر اساس یادداشت‌های آستر بدرقه، جزو همین هدایا بوده است (Uluç, 1999: 98). صححه تقدیم هدایا توسط ابراهیم‌خان در نسخه‌ای از

۲۱. برای این مرقع (کتابخانه دانشگاه استانبول، FY 1422) نک. Roxburgh, 2005: 184, 196-212.

شاهنشاه‌نامه به تصویر کشیده شده که در میان آنها کتاب‌های سترگی با جلدهای مرصع به چشم می‌خورد (تصویر ۱۰).



تصویر ۹. «طعماق‌خان هدایای شاه‌طهماسب را به مراد سوم تقدیم می‌کند»: شاهنشاه‌نامه لقمان، ۹۸۹ق/۱۵۸۱م، کتابخانه دانشگاه استانبول (F 1404، ج ۱، گ ۴۱-پ ۴۲)، (Uluç, 2006: 484-485, fig. 356).

به‌هنگام معاهده صلح استانبول در سال ۹۹۹ق که میان شاه‌عباس اول و سلطان مراد سوم منعقد شد، شاهزاده حیدر میرزا به‌عنوان گروگان به دربار عثمانی فرستاده شد. ابراهیم چاوش در کتاب گنجینه فاتح گنجه به توصیف این ماجرا پرداخته است.<sup>۲۲</sup> مهدی‌قلی‌خان شاهزاده صفوی را تا استانبول همراهی کرد و بیست نسخه مصور و مذهب را که برخی از

۲۲. در نسخه‌ای از این کتاب به تاریخ ۹۹۸ق در تویق‌پایی (R.1296) سه مجلس از حیدر میرزا مصور شده است (نک. Uluç, 1999: 92, figs. 3-5; همو، Uluç, 2006: 491-490, figs. 361-363).

آنها جلدهای مرصع داشتند، به مراد سوم اهدا شد (همان: ۹۲؛ ۱۴۸: ۲۰۰۰: Tanındı). می دانیم که علاوه بر صفویان، ازبکان نیز هدایایی به دربار عثمانی می فرستادند، از جمله دو مصحف، یک خمسه نظامی و دیگری شاهنامه فردوسی؛ شاهنامه موجود در توپقاپی (خزینه ۱۴۸۸) احتمالاً همین نسخه هدایای ازبکان است (Özgüdenli, 2008: 35).



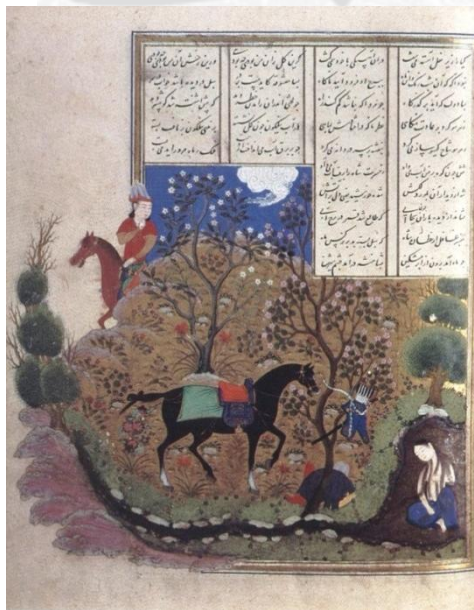
تصویر ۱۰. بخشی از نگاره «تقدیم هدایا توسط ابراهیم خان به مناسبت ختنه سوران محمد پسر مراد سوم»: شاهنشاه نامه لقمان، ۱۰۰۱/ق ۱۵۹۲م، توپقاپی (B. 200، ج ۲، گ ۳۷)، (Uluc, 2006: 488, fig. 359)

#### ۴. شاهزادگان پناهنده به دربار عثمانی

علاوه بر هدایای دولت صفوی، شاهزاده‌های تیموری، صفوی و ترکمن که به امپراطوری عثمانی پناهنده می شدند نیز پیشکش تقدیم می کردند. اوغورلو محمد (د. ۸۸۱ق) پسر ارشد اوزون حسن آق‌قویونلو (حک. ۸۵۶-۸۸۲ق) در سال ۸۷۷ق، یعنی یک‌سال بعد از جنگ میان اوزون حسن و سلطان محمد دوم، به عثمانی پناهنده شد (Woods, 1976: 136). نسخه‌ای از خمسه نظامی در توپقاپی (خزینه ۷۸۱) احتمالاً در میان هدایای اوغورلو محمد بوده است (تصویر ۱۱). این نسخه برای مهد علیا، همسر محمد جوکی، به قلم یوسف الجامی در سال ۸۴۹ق در هرات کتابت شده و تذهیب‌ها و برخی از نقاشی‌های آن

توسط خواجه علی التبریزی کشیده شده است (Tanındı, 2000: 150-154). این نسخه به هر دلیل ناتمام مانده، اما پس از رسیدن به استانبول در دربار بایزید دوم تجلید و نقاشی‌های آن تکمیل شده است.

آخرین حاکم تیموری بدیع‌الزمان (د. ۹۲۰ق) که در زمان جنگ چالدران در تبریز زندگی می‌کرد به استانبول رفت و نسخه‌ای از شاهنامه را به سلطان پیشکش نمود (Uluç, 1999: 94, fig. 6؛ همو، 2006: 491). بعید نیست که بدیع‌الزمان کتاب‌هایی از یار دیرین خود، امیرعلیشیر نوایی را به استانبول برده باشد؛ چراکه پس از آن زمان، نسخه‌هایی از آثار امیرعلیشیر در «نقاش‌خانه» سلطنتی کتابت و مصور شد (Atasoy and Çağman, 1974: 86, pls. 3-4; Tanındı, 2000: 148). بنا به فرض زرن‌تیندی، نسخه‌ای از خمسه امیر خسرو دهلوی احتمالاً در توپقایی (خزینه ۷۹۹) مورخ ۹۰۳ق، (تصویر ۱۲)، در میان کتاب‌های ناتمامی بوده که بدیع‌الزمان به استانبول برده است (همان: ۱۵۴-۱۵۵). برخی از نقاشی‌های این نسخه از نظر سبک به دربار بایزید دوم نسبت داده شده است (Çağman and Tanındı, 1986: 186).



تصویر ۱۱. «خسرو در حال نظارة شیرین»: خمسه نظامی، ۸۴۹ق/۴۶-۱۴۴۵م، توپقایی (خزینه ۷۸۱، گ ۴۰ر) (Çağman and Tanındı, 1986: fig. 59)

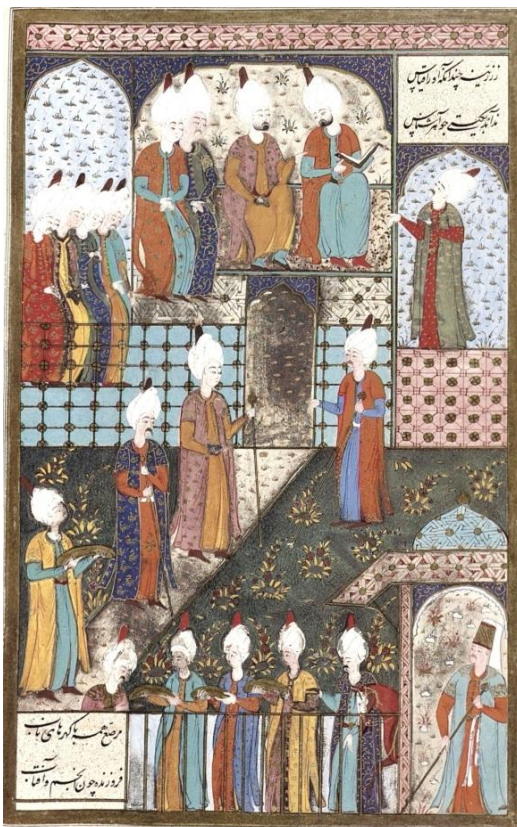


تصویر ۱۲. «بهرام در گنبد سبز»، خمسه امیر خسرو دهلوی، ۹۰۳ق/۱۴۹۸م.

توقایی (خزینه ۷۹۹، گ ۱۷۹)، (Çağman and Tanındı, 1986: fig. 129)

دو تن از برادران شاه طهماسب، سام میرزا و القاس میرزا (د. ۹۵۵ق) بر شاه شوریدند و سپس به ترتیب در سال‌های ۹۴۲ق و ۹۵۴ق به دربار سلیمان اول پناهنده شدند. القاس میرزا که پیش‌تر به فرمان شاه طهماسب به‌عنوان حاکم شیروان منسوب شده بود، با پشتیبانی سپاه عثمانی دوبار به ایران حمله کرد و سرانجام در قلعه قهقهه کشته شد (اسکندریگ، ۱۳۵۰: ۷۴-۷۵). او آنچه را طی حملاتش به شهرهای همدان، قم، کاشان و اصفهان به‌دست آورده بود، به دربار عثمانی پیشکش کرد (Tanındı, 2000: 149). متون عثمانی این هدایا را شامل قرآن‌هایی به خط یاقوت مستعصمی و عبدالله صیرفی، کتاب‌هایی با جلد مرصع متعلق به مکتب‌های شیراز و هرات، نسخه مصور شاهنامه، انواع جواهرات و غیره ثبت کرده‌اند (Atıl, 1986: 198; Uluç, 1999: 94-95). القاس میرزا حامی هنرهای مربوط به کتاب و آشنا با کارگاه‌های تولید کتاب در تبریز بود.

امروزه، حداقل دو نسخه مصوّر که برای او در شیروان کتابت شده، باقی مانده است (Fleischer, 1985: 909). او نشانچی خود، فتح‌الله عارف چلبی را به استانبول برد که به‌عنوان اولین شهنامه‌چی دربار سلیمان اول منصوب شد و کتاب شاهنامه آل عثمان را در پنج جلد به تقلید از اثر فردوسی سرود. نسخه‌ای مصوّر از جلد پنجم آن (سلیمان‌نامه) باقی مانده که دو مجلس آن صحنه حضور فرستاده شاه طهماسب در بارگاه سلیمان (Atıl, 1986: 160, 230) و سه مجلس آن القاس میرزا (همان: 195, 199, 202) را نشان می‌دهند (تصویر ۱۳).<sup>۲۳</sup>



تصویر ۱۳. «ورود هدایای القاس میرزا به دربار سلیمان اول»: سلیمان‌نامه، ۹۶۵/ق/۱۵۵۸م، توپقای (خزینه ۱۵۱۷، گ ۴۹۸ پ)، (Atıl, 1986: 199)

۲۳. این نسخه (خزینه ۱۵۱۷) با ۶۱۷ برگ، در رمضان ۹۶۵ ق، توسط علی بن امیربیگ شیروانی کتابت شده و ۶۹ صفحه مصوّر دارد (Atıl, 1986: 55-62).





تصویر ۱۴. برگی از یوسف وزلیخای جامی، ۹۷۵ق/۱۵۶۸م،  
توقایبی (خزینه ۸۱۲). (Uluc, 2006: fig. 373)

از دیگر پناهندگان به دربار عثمانی، خان احمدخان گیلانی (د. ۱۰۰۵ق)، آخرین کارکیای سلسله کیاییان در گیلان نیز هدایای فراوانی به دربار مراد سوم فرستاد و از آنجا که هنرمندانی در خدمت او بودند، احتمالاً در میان هدایای او کتاب هم وجود داشته است (Uluc, 1999: 95-96).<sup>۲۴</sup> علاوه بر پناهندگان، هنرمندان و شاعرانی که از ایران و آسیای مرکزی به دیار عثمانی مهاجرت می‌کردند نیز به همراه خود کتاب می‌بردند. مثلاً محمد بن احمد بن ابی‌المعانی معروف به بصیری (د. ۹۴۱ق) در زمان بایزید دوم کتاب‌های جامی و امیرعلیشیر را به استانبول برد. محمد دوم و جانشین او، بایزید دوم، عبدالرحمن جامی را به استانبول دعوت کردند و او نیز سلسله‌الذهب خود را برای بایزید دوم فرستاد. به همین دلیل، طبیعی است که آثار جامی بیشتر از سایر شاعران ایرانی در قلمرو عثمانی کتابت و ترجمه شده باشد (Özgüdenli, 2008: 19-20). همچنین ممکن است حسن‌علی کاتب که

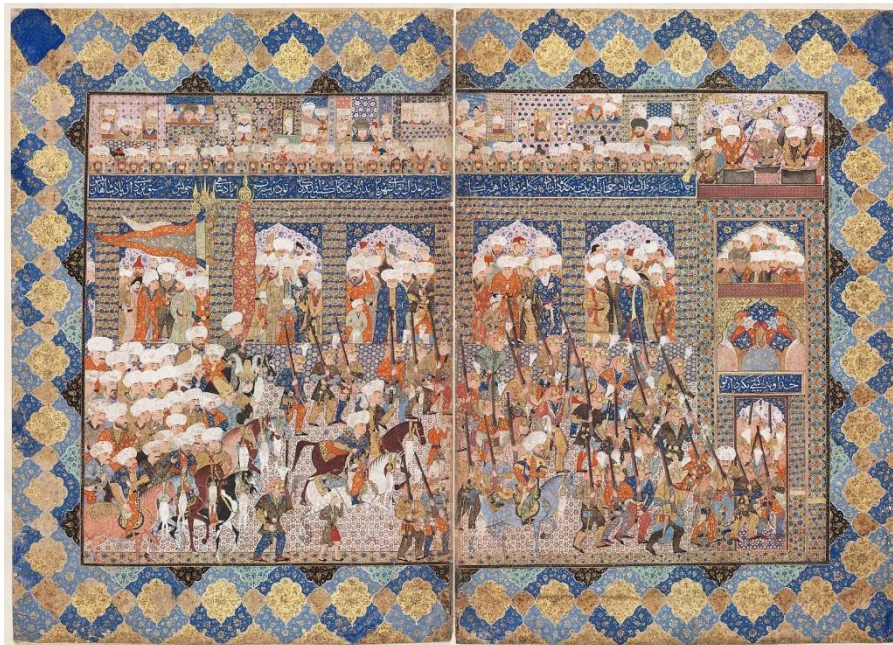
۲۴. برای اطلاع از خان احمدخان و حمایت‌های او از هنرهای کتاب نک. Uluc, 2000: 85.

در دوره صفوی به استانبول مهاجرت کرد، با خود کتاب‌هایی برده باشد، چراکه دو دست‌نویس از او در توپقاپی باقی مانده است (همان: 36-37).

## ۵. کتاب‌های تجاری

برخی از دست‌نویس‌های ایرانی در استانبول از طریق تاجران به آنجا منتقل شده و افراد مختلف آنها را خریده‌اند. برای نمونه می‌توان به نسخه‌ای از یوسف و زلیخای جامی اشاره کرد که بر اساس انجامه، شاه‌محمود الکاتب المشهدی آنرا به سال ۹۷۵ ق در شیراز کتابت کرده است. بعدها شمس‌ای به انتهای نسخه اضافه شده که درون آن چنین نوشته شده است: «نمقه مولانا شاه‌محمود نیشابوری. این نسخه نفیس را در دار المرز شیراز حاجی علی تقاتی خریداری نمود» (تصویر ۱۴). اگرچه خریدار را نمی‌شناسیم، اما می‌دانیم که از اهالی شهر توقات بوده و نام کاتب را به جای شاه‌محمود مشهدی، شاه‌محمود نیشابوری، خوشنویس معروف سده دهم، نوشته تا بر ارزش نسخه بیفزاید (Uluc, 2006: 505).

نسخه‌ای از شاهنامه مورخ ۹۷۰-۹۹۱ ق حاوی شواهدی است حاکی از اینکه برخی از کتب شیرازی با این نیت تولید می‌شدند که به قلمرو عثمانی فرستاده شوند. کتابت این نسخه که امروزه اوراق آن در موزه‌های مختلف پراکنده شده در سال ۹۷۰ ق به انجام رسیده و ناتمام مانده است. انجامه‌ای که در ۹۹۱ ق به آن افزوده شده نشان می‌دهد که دو دهه بعدتر حاشیه‌های اوراق آن تعویض شده و نقاشی‌ها و تذهیب‌هایی به آن اضافه شده است. صفحات مزدوج مصور اختتامیه، صحنه ورود ظفرمندانه سلطانی را همراه سپاهش به شهری نشان می‌دهد و مضمون کتیبه‌های دیوارها شعری در منقبت پادشاه است (تصویر ۱۵). جامه و دستار سربازان شباهت زیادی به پنی‌چری عثمانی دارد ولی نشان می‌دهد که نقاش شیرازی در ترسیم آنها چندان موفق نبوده است. این نگاره را می‌توان با تصویر شماره ۱۰ مقایسه کرد که در آن تصویر سربازان پنی‌چری به دست نقاشان عثمانی کشیده شده است. نکته جالب اینکه یک‌سال پس از افزودن نقاشی‌ها، ابراهیم‌خان تواجی از سوی شاه‌محمد خدابنده به دربار مراد سوم فرستاده شد تا تقاضای صلح کند و این شاهنامه نیز به احتمال زیاد در میان هدایای او بوده است (Uluc, 1999: 104; همو، 2006: 326-332).



تصویر ۱۵. صفحات اختتامیه نسخه‌ای از شاهنامه، ۹۷۰-۹۹۱/ق ۱۵۶۲-۱۵۸۳ م.

موزه هنرهای زیبای بوستون (ش ۱۴/۶۹۱) (URL 1)

فراوانی نسخه‌های مجالس العشاق تولید شده در شیراز قرن دهم در کتابخانه‌های استانبول به دلیل تقاضای زیاد آن بود؛ چراکه گمان می‌رفت مؤلف آن سلطان حسین بایقراست. کتابخانه‌داران در قلمرو عثمانی تمایل داشتند که علاوه بر مجالس العشاق، سایر آثاری که ریشه در هرات دوره تیموری داشت (مانند آثار امیرعلیشیر و دیوان سلطان حسین) را گردآوری کنند (Uluc, 2006: 500-503). گروهی از کتب شیرازی سده دهم آثار تالیف شده در آسیای مرکزی به زبان ترکی جغتایی (مانند دیوان امیرعلیشیر، اسکندرنامه احمدی و خسرو و شیرین شیخی) است که آنها نیز برای صادرات به قلمرو عثمانی تولید شده بودند (Uluc, 1999: 105؛ همو، 2006: 478).

## ۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله نشان داده شد که مهاجرت دست‌نویس‌های ایرانی به استانبول در دوره صفوی

کلاً به چهار طریق بوده است: ۱. به عنوان غنایم جنگی، ۲. به عنوان هدایای دیپلماتیک، ۳. توسط مهاجران و پناهندگان به عثمانی و ۴. مبادلات تجاری. سده دهم را باید نقطه اوج خروج نسخ خطی از ایران به قلمرو عثمانی دانست. خروج این کتاب‌ها در ابتدای قرن بیستر به عنوان غنایم جنگ چالدران و بعدها به عنوان هدایای دیپلماتیک بوده است. این فرآیند تا پایان سده دهم و به خصوص در دو دوره کشمکش میان ایران و عثمانی ادامه یافت. دوره اول با لشکرکشی سلیمان اول در سال ۹۴۱ق شروع شد و به صلح آماسیه در سال ۹۶۲ق انجامید و دوره دوم جنگ دوازده ساله از سال ۹۸۶ق تا ۹۹۸ق در زمان شاه محمد خدابنده، شاه عباس اول و سلطان مراد سوم بود.

پس از معاهده صلح ۹۹۸ق (عهدنامه فرهادپاشا) در زمان شاه عباس اول، ورود نسخ خطی ایران به خصوص کتاب‌های شیرازی، به قلمرو عثمانی متوقف شد. هیچ‌کدام از نسخ شیرازی در کتابخانه‌های استانبول پس از سال ۱۶۰۲م (۱۰۱۰-۱۰۱۱ق) کتابت نشده‌اند (Uluc, 2006: 478) که سال پس از آن، با پیروزی صفویان و عقب‌نشینی عثمانیان مواجه هستیم. از ابتدای سده یازدهم که ورود نسخ خطی ایران به عثمانی تقریباً متوقف شد، نهضت ترجمه از فارسی به ترکی آغاز شد که بیشتر شامل آثاری مانند بوستان، گلستان، مثنوی معنوی، روضه الصفا و تاریخ و صاف می‌شد (Özgüdenli, 2008: 38). مجدداً جنگ‌های محدود و پیروزی‌های مقطعی عثمانیان در سده‌های یازدهم و دوازدهم هجری منجر به غارت کتابخانه‌ها می‌شد که به عنوان نمونه، می‌توان به غارت آستانه شیخ صفی‌الدین در سال‌های حکومت عثمان دوم (۱۰۲۷-۱۰۳۱ق) و نیز سال ۱۱۴۶ق اشاره کرد.

نسخه‌های شاهانه و نفیسی از قرآن، شاهنامه، خمسه نظامی و مرقعات توسط شاهان صفوی - به خصوص شاه طهماسب به دربار عثمانی پیشکش شد. این کتاب‌ها ابزاری در جهت پیشبرد سیاست صلح طلبی صفویان در برابر دولت عثمانی بود. بعید است که کتاب‌های ناتمام در توپقاپی جزو هدایای شاهانه بوده باشد، بلکه آنها یا جزو غنایم جنگی بوده، یا از طریق مهاجران و پناهندگان به دربار عثمانی به آنجا منتقل شده‌است. اینکه برخی

از آنها نقاشی‌هایی به سبک عثمانی دارند نشان می‌دهد که هنرمندان درباری (اهل حِرَف) به نوسازی نسخه‌های ایرانی نیز گمارده شده بودند. سه شاهزاده‌ای که به دربار عثمانی پناهنده شدند، اوغورلو محمد، بدیع‌الزمان میرزا و القاس میرزا، به ترتیب از شهرهای هنرپرور شیراز، تبریز و هرات بودند و نقش مهمی در انتقال فرهنگ و هنر ایران به دربار عثمانی ایفا کردند. امید است که در آینده، محققان با تهیه فهرست کاملی از نسخ خطی ایرانی در کتابخانه‌های ترکیه، زمینه مطالعات بیشتر بر روی این ذخایر فرهنگی را فراهم کنند.

### منابع

- اسکندربیک ترکمان (۱۳۵۰). تاریخ عالم‌آرای عباسی. تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- امیراشد، سولماز و سجاد حسینی (۱۳۹۴). «اسلوب نگارگری ساز؛ غنیمی از غنایم چالدران». مطالعات تاریخ فرهنگی، ش ۲۵-۱: ۲۶.
- بوداق منشی قزوینی (۱۳۷۸). جواهر الاخبار: بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۸۴ ه.ق. تصحیح محسن بهرام‌نژاد. تهران: میراث مکتوب.
- حسینی، سیدمحمدتقی (۱۳۹۳). فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه حکیم اغلو استانبول. تهران: منشور سمیر.
- گنج، وورال (۱۳۹۰). «از کاخ هشت‌بهشت تا کاخ تویقایی: سیاهه اشیاء و اموال شاه‌اسماعیل غارت‌شده پس از چالدران». ترجمه اسرا دوغان و رسول جعفریان. پیام بهارستان، ش ۱۲: ۹-۳۷.
- ووده‌د، کریستین (۱۳۸۷). «منصب شهنامه‌نویسی در امپراتوری عثمانی». ترجمه نصرالله صالحی. در: مزدک‌نامه. ش ۱. تهران، نشر خواهان: ۳۴۴-۳۷۹.
- Atasoy Nurhan and Filiz Çağman (1974). *Turkish Miniature Painting*, translated by Esin Atıl. Istanbul: R.C.D. Cultural Institute.
- Atıl, Esin (1986). *Süleymanname: The Illustrated History of Süleyman the Magnificent*. Washington: National Gallery of Art.
- Blair, Sheila S. and Jonathan Bloom (1995). *The Art and Architecture of Islam, 1250 – 1800*. New Haven: Yale University.
- Brend, Barbara (2001). "A 14th-Century Khamseh of Nizāmī from Western Iran with Early Ottoman Illustrations," In: *Islamic Art, Studies on Art and Culture of the Muslim World*, vol. 5, edited by Ernst J. Grube and Eleanor Sims, 133-166. Genova: The Bruschetti Foundation for Islamic and Asian Art.

- Çağman, Filiz and Zeren Tanındı (1979). *Islamic Miniature Painting: Topkapı Saray Museum*. İstanbul: Güzel Sanatlar Matbaası A.Ş.
- ——— (1986). *The Topkapı Saray Museum: The Albums and Illustrated Manuscripts*, translated and edited by J. M. Rogers. London: Thames & Hudson.
- ——— (1996). "Remarks on Some Manuscripts from the Topkapı Palace Treasury in the Context of Ottoman-Safavid Relations," *Muqarnas* 13: 132-148.
- Fleischer, Cornell (1985). "Alqās Mīrzā Şafawī," In: *Encyclopaedia Iranica*, ed. Ehsan Yarshater, 907-909, Leiden: Brill.  
[www.iranicaonline.org/articles/alqas-alqasb-alqas-mirza-safawi](http://www.iranicaonline.org/articles/alqas-alqasb-alqas-mirza-safawi) (accessed July 2021).
- Ghiasian, Mohamad Reza (2018). "The Topkapı Manuscript of the Jami' al-Tawarikh (Hazine 1654) from Rashidiya to the Ottoman Court: A Preliminary Analysis," *Iranian Studies* 51, no. 3: 399-425.
- Kamada, Yumiko (2010). "A Taste for Intricacy: An Illustrated Manuscript of *Manṭiq al-Ṭayr* in the Metropolitan Museum of Art," *Orient: Reports of the Society for Near Eastern Studies in Japan*, vol. XLV: 129-175.
- Karatay, Fehmi Edhem (1961). *Topkapı Sarayı Müzesi Kütüphanesi Farsça Yazmalar Kataloğu*. İstanbul: Topkapı Sarayı Müzesi.
- Özgüdenli, Osman Gazi (2001). "Şeyh Safiü'd-din Erdebilî'nin Türbesinde Bulunan Kitaplar", *Marmara Üniversitesi Türklük Araştırmaları Dergisi* 10: 43-56.
- ——— (2008). "İstanbul Kütüphanelerinde Bulunan Farsça Yazmaların Öyküsü: Bir Giriş", *Tarih Araştırmaları Dergisi* 27, no. 43: 1-75.
- Özkuzugüdenli, Bülent (2005). "Ta'likî-Zâde Mehmed Subhî: Tebrîziyye", Master thesis at the Marmara University, İstanbul.
- Raby, Julian and Ünsal Yücel (1986). "Chinese Porcelain at the Ottoman Court," In: *Chinese Ceramics in the Topkapı Saray Museum, İstanbul, A Complete Catalogue, vol. 1: Yuan and Ming Dynasty, Celadon Wares*, eds. Regina Krahl & John Ayers, 27-54, London: Sotheby's.
- Rogers, John M. (2000). *Empire of the Sultans: Ottoman Art from the Khalili Collection*. London: The Nour Foundation.
- Roxburgh, David J. (2005). *The Persian Album, 1400-1600: From Dispersal to Collection*. New Haven: Yale University.
- Simpson, Marianna Shreve and Massumeh Farhad (1997). *Sultan Ibrahim Mirza's Haft Awrang: A Princely Manuscript from Sixteenth-Century Iran*. Washington: Freer Gallery of Art.
- Soucek, Priscilla P. and Filiz Çağman (1995). "A Royal Manuscript and Its Transformation: The Life of a Book," In: *The Book in the Islamic World: The Written Word and Communication in the Middle East*, edited by George N. Atiyeh, 179-208. Albany: State University of New York.
- Stchoukine, Ivan (1977). *Les peintures des manuscrits de la "Khamseh" de Niẓâmî au Topkapı Sarayı Müzesi d'Istanbul*. Paris: Geuthner.
- Tanındı, Zeren (2000). "Additions to Illustrated Manuscripts in Ottoman Workshops," *Muqarnas* 17: 147-161.

- ——— (2008). "Topkapı Palace," In: *Encyclopaedia Iranica*, ed. Ehsan Yarshater, [www.iranicaonline.org/articles/topkapi-palace](http://www.iranicaonline.org/articles/topkapi-palace) (accessed July 2021).
- Uluç, Lâle (1999). "Ottoman Book Collectors and Illustrated Sixteenth Century Shiraz Manuscripts," *Livres et lecture dans le monde ottoman 87-88, Le persan, Langue de Culture*: 85-107.
- ——— (2000). "Selling to the Court: Late-Sixteenth-Century Manuscript Production in Shiraz," *Muqarnas* 17: 73-96.
- ——— (2006). *Turkman Governors, Shiraz Artisans and Ottoman Collectors: Sixteenth Century Shiraz Manuscripts*. İstanbul: Türkiye İş Bankası.
- Vasilyeva, Olga V. (2011). "From Ardabil Shrine to the National Library of Russia", In: *Gifts of the Sultan: The Arts of Giving at the Islamic Courts*, edited by Linda Komaroff, 200-201. Los Angeles: Los Angeles County Museum of Art.
- Woods, John E. (1976). *The Aqqoyunlu: Clan, Confederation, Empire: A Study in 15th/9th Century Turko-Iranian Politics*. Minneapolis and Chicago: Bibliotheca Islamica.
- URL 1: <https://collections.mfa.org/objects/13929/folios-from-a-shahnama-of-firdawsi> (accessed July 2021).

